واللَّه لا يأْخُذُ أَحدٌ مِنْكُمْ شَيْئًا بِغَيْرِ حقِّهِ إلاَّ لَقِيَ اللَّه تَعالَى، يَحْمِلُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ

از ابو حمید ساعدی رضی الله عنه روایت است که می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم شخصی از طایفه ی «بنی سلیم»، به نام «ابن لُتبیّه» را برای جمع آوری زکات فرستاد و چون بازگشت با او محاسبه نمود، گفت: اینها، (اموال زکات و) مالِ شماست و این را هم به من هدیه داده اند. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر واقعاً راست می گویی، چرا در خانه ی پدر و مادرت نمی نشینی تا هدیه ات برایت بیاید. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای الله فرمود: «أَمَّا بعْدُ، فَإِنِّي أَسْتعْمِلُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ على الْعمَلِ مِمَّا ولاَّنِي اللَّه، فَيَأْتِي فَيَقُول: هَذَا لَكُمْ، وَهَذَا هَدِيَّةٌ أُهْدِيَت إِلَيَّ، أَفَلا جلس في بيتِ أَبيهِ أَوْ أُمِّهِ حتَّى تأْتِيَهُ هديته إِنْ كَانَ صادِقاً، واللَّه لا يأْخُذُ أَحدٌ مِنْكُمْ شَيْئًا بِغَيْرِ حقِّهِ إلاَّ لَقِيَ اللَّه تَعالَى، يَحْمِلُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ، فَلا أَعْرِفَنَّ أَحداً مِنْكُمْ لَقِيَ اللَّه يَحْمِلُ بعِيرًا لَهُ رغَاء، أَوْ بَقرة لَهَا خُوار، أَوْ شاةً تيْعَرُ». «اما بعد؛ من یکی از شما را بر کاری می گمارم که الله به من سپرده است؛ او (پس از انجام مأموریتش) می آید و می گوید: این، از آن شماست و این را به من هدیه داده اند. پس اگر واقعاً راست می گوید، چرا در خانه ی پدر و مادرش نمی نشیند تا هدیه اش به او برسد؟ به الله سوگند که هرکس چیزی را به ناحق بخورد، روز قیامت الله را در حالی ملاقات می کند که آن را بر دوشِ خویش حمل می کند؛ مبادا هیچ یک از شما را ببینم که الله را در حالی ملاقات کند که شتر یا گاو یا گوسفندی که بانگ می زند، بر دوش او باشد». سپس دستانش را به اندازه ای بالا گرفت که سفیدی زیرِ بغلش دیده شد و فرمود: «اللَّهُمَّ هَلْ بَلَّغْتُ»: «یا الله، آیا تبلیغ کردم؟». چشمانم دید و گوش هایم شنید.

[صحیح] [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم مردی که به وی ابن اللتبیه گفته می شد برای جمع آوری زکات به خدمت گرفت؛ پس از پایان کارش، وقتی به مدینه بازگشت با او در مورد اموال جمع شده و مصرف شده محاسبه نمود، ابن لتبیه گفت: این مال شماست که از زکات جمع آوری کردم، و این مال به من هدیه داده شده است. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر راست می گویی چرا در خانه پدر و مادرت نمی نشینی تا ببینی هدیه یی برایت میاید یا نه؛ حقوقی که برای آن کار کردی دلیل هدیه دادن به تو می باشد، و اگر در خانه می ماندی چیزی به تو داده نمی شد، پس نباید فقط به این دلیل که به عنوان هدیه برای تو آمده است آن را جایز بدانی. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم به منبر رفت تا در این زمینه نکاتی را به مردم بیاموزد و آنها را از این عمل بر حذر دارد؛ پس حمد و ثنای الله متعال گفت و سپس فرمود: «اما بعد، من مردی از میان شما را برای کاری به خدمت می گیرم که الله متعال مرا بدان مکلف کرده و در مورد اموال زکات و غنایم می باشد؛ اما وی پس از انجام ماموریتش می آید و می گوید: این برای شماست و این را به من هدیه داده اند! چرا این شخص در خانه ی پدر یا مادرش نمی نشیند تا هدیه برایش بدهند؛ به الله سوگند که هرکس چیزی را به ناحق بخورد، روز قیامت الله را در حالی ملاقات می کند که آن را بر دوشِ خویش حمل می کند؛ مبادا هیچ یک از شما را ببینم که الله را در حالی ملاقات کند که شتر یا گاو یا گوسفندی که بانگ می زند، بر دوش او باشد. سپس دستانش را چنان بلند نمود که صحابه رضی الله عنهم سفیدی زیر بغلش را دیدند، و فرمود: یا الله، آیا تبلیغ کردم؟ سپس ابو حمید الساعدی رضی الله عنه گفت: این همان چیزی است که چشمانش دید و گوش هایش شنید.